

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

کودتای ۲۸ مرداد نتیجه خیابان خالی بود

دکتر موسی حقانی، مورخ برجسته و رئیس مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر، در گفت‌وگویی تفصیلی با روزنامه نوبنیاد به تبیین زمینه‌های شکل‌گیری کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و عوامل مؤثر در وقوع آن پرداخت. وی با اشاره به ریشه‌های این رویداد تاریخی، اظهار داشت که کودتای ۲۸ مرداد در واکنش به حرکت بزرگ مردم ایران برای استیفای حقوق ملی و قطع غارت‌گری انگلستان شکل گرفت. به گفته وی، اگر هوشیاری رهبری و حضور گسترده مردم نبود، ممکن بود سرنوشتی مشابه ۲۸ مرداد در کودتای دی ماه رقم بخورد.

۲



وزیر جهاد کشاورزی دومین کارت را از مجلس گرفت؛

سرنوشت نامعلوم ۴۵ همت نهاد

۴



نطق برخلاف اتحاد مقدس

۳

افتخار به تفاهم‌نامه مصادق وحدت‌شکنی

۳



مسئول اجرایی نباید جای فرمانده جنگ بنشیند

امیرشهبهانی
روزنامه‌نگار

صفحه ۴

اقتصادی

قدرت خرید کالا برگ ۷۰ درصد آب رفت

هشت ماه پس از آغاز اجرای طرح کالا برگ الکترونیکی، اکنون یکی از مهم‌ترین پرسش‌های معیشتی کشور این است که چرا اعتبار کالا برگ، برخلاف وعده اولیه همچنان در همان سقف یک میلیون تومان باقی مانده است؟

صفحه ۱۱

فرهنگی

دادستانی علیه ابتدال

دادستانی تهران علیه عوامل برنامه اینترنتی آزاد به اتهام نشر اکاذیب اعلام جرم کرده و همزمان اعلام شده است که این برنامه اساساً مجوز رسمی از هیئت نظارت بر مطبوعات و معاونت رسانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نداشته است.

یکی از نگرانی‌های جدی ملت ایران پس از شروع جنگ مواضع نسنجیده مسئولان اجرایی بود؛ موضعی که می‌توانست پیام ضعف، اختلاف و بی‌تصمیمی به دشمن مخابره کند. سخنان مسعود پزشکیان درباره عذرخواهی از کشورهای همسایه و اظهارات اخیر محمد رضا عارف که از معدود مسئولان با کارنامه و مواضع خوب در دولت پزشکیان به شمار می‌آید، نمونه‌هایی از این رویکرد است

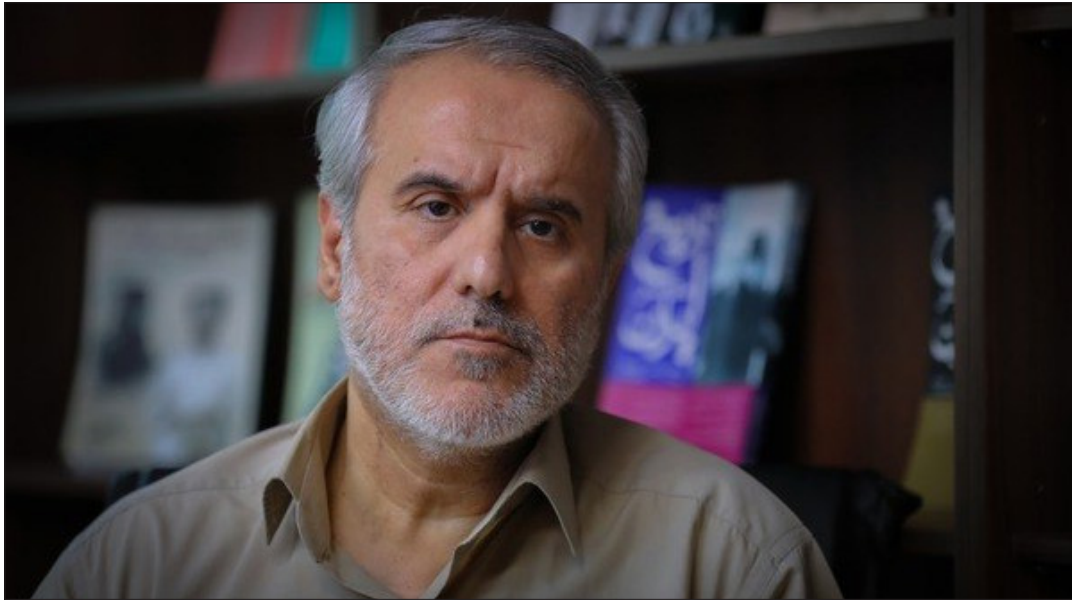
متن کامل در صفحه ۷

گفت‌وگو «نوبنیاد» با دکتر موسی حقانی، مورخ، استاد دانشگاه و رئیس مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر درباره زمینه‌ها و شباهت‌های کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و دی‌ماه ۱۴۰۴

کودتای ۲۸ مرداد نتیجه خیابان خالی بود

دکتر موسی حقانی، مورخ برجسته و رئیس مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر، در گفت‌وگویی تفصیلی با روزنامه نوبنیاد به تبیین زمینه‌های شکل‌گیری کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و عوامل مؤثر در وقوع آن پرداخت. وی با اشاره به ریشه‌های این رویداد تاریخی، اظهار داشت که کودتای ۲۸

مرداد درواکنش به حرکت بزرگ مردم ایران برای استیفای حقوق ملی و قطع غارت‌گری انگلستان شکل گرفت. به گفته‌ی وی، اگر هوشیاری رهبری و حضور گسترده‌ی مردم نبود، ممکن بود سرنوشتی مشابه ۲۸ مرداد در کودتای دی‌ماه رقم بخورد.



امیرحسین درکی

روزنامه‌نگار

با امکانات بی‌شماری دنبال می‌شود. همچنان سیاه‌نمایی، القای ناکارآمدی نظام و پشیمان کردن مردم از انقلاب دنبال می‌شود. این جنگ نرم به سطح نخبگان هم کشیده شده است؛ بعضی از نخبگان متأسفانه دچار این تجربه شده‌اند و برخی دیگری گویند که رژیم گذشته فقط مشکل آزادی سیاسی داشته و با گفت‌وگو و انتخاب نماینده در مجلس می‌شد ماجرا را حل کرد. در حالی که وابستگی رژیم پهلوی به آمریکا و نابودی استقلال ایران توسط آمریکایی‌ها و قبل از آن توسط انگلیسی‌ها، اصلاً مقولاتی نیست که برای این افراد و این جریان‌ها مهم باشد.

دکتر حقانی با مقایسه‌ی کودتای ۲۸ مرداد با حوادث ۱۸ و ۱۹ دی، اظهار داشت که در کودتای ۲۸ مرداد، ارادل و اوباش با چوب و چاقو و سلاح سرد به خیابان‌ها آمدند و عملیات کودتا بسیار ساده برگزار شد، زیرا جنگ نرم چهارماه‌ی پیشین، توانسته بود به اهداف خود برسد. وی یکی از اشتباهات اساسی را دور کردن مردم از صحنه دانست و گفت: دکتر مصدق می‌توانست با فراخوان عمومی، مردم را به خیابان‌ها بخواند، اما برعکس، خواست که مردم در خیابان‌ها حضور نیابند و عنوان کرد که می‌خواهد با عوامل حزب توده برخورد کند. این خلأ، موجب شد کودتاگران در نیم‌روز به راحتی به هدف خود برسند.

وی در پایان با اشاره به سرمایه‌ی اجتماعی موجود در آن مقطع، تأکید کرد که اگر فراخوانی داده می‌شد، مردم پاسخ مثبت می‌دادند و آیت‌الله‌کاشانی نیز در نامه‌ای به دکتر مصدق خواستار مقابله‌ی مشترک با کودتا شده بود، اما متأسفانه این فراخوان صادر نشد و نهضت ملی در نیم‌روز شکست خورد و ایران مجدداً اسیر شرکت‌های نفتی شد و استقلال را از دست داد.

دکتر حقانی در پاسخ به سؤالی درباره‌ی شباهت رویکرد امروز آمریکا نسبت به ایران، گفت: جنگ نرمی که امروز علیه جمهوری اسلامی به کار گرفته می‌شود، همان الگوی پیشین را با پیچیدگی و گستردگی بیشتر دنبال می‌کند؛ ایجاد شبکه‌های ماهواره‌ای و سایپ‌های سلطنت طلب، القای ناامیدی، سیاه‌نمایی و تقلیل انقلاب به مسائل معیشتی، همگی ادامه‌ی همان پروژه‌ی تاریخی است. وی هشدار داد که امروز نیز همچون گذشته، دشمن تلاش دارد استقلال واقعی را از ملت ایران سلب کند و آن را به وابستگی و مصرف‌گرایی تقلیل دهد.

از بزرگ‌ترین اشتباهات، دور کردن مردم از صحنه بود. دکتر مصدق با وجود سرمایه‌ی اجتماعی بالا، از فراخوان عمومی خودداری کرد و حتی خواست که مردم در خیابان‌ها حضور نیابند تا با عوامل حزب توده برخورد شود. این خلأ، فرصتی طلایی در اختیار کودتاگران قرار داد. وی افزود که آیت‌الله کاشانی در نامه‌ای به دکتر مصدق، خواستار مقابله‌ی مشترک با کودتا شده بود، اما این درخواست بی‌پاسخ ماند و در نیم‌روز، کودتاگران با بسیج ارادل و اوباش، به راحتی دولت را سرنگون کردند.

وی با تطبیق این مقطع با دی‌ماه ۱۴۰۴، خاطرنشان کرد که در آن ایام نیز جریان‌های سازش‌کار و وابسته، با دامن زدن به اختلافات و القای ناامیدی، سعی در تضعیف کشور داشتند و اگر هوشیاری رهبری و حضور گسترده‌ی مردم نبود، ممکن بود سرنوشتی مشابه ۲۸ مرداد رقم بخورد. دکتر حقانی تصریح کرد: «در ۱۸ و ۱۹ دی، ارادل و اوباش با برنامه‌ریزی دقیق و حمایت شبکه‌های خارجی به خیابان‌ها آمدند، اما این بار مردم با فراخوان به موقع، در صحنه حاضر شدند و اجازه ندادند کودتاگران به هدف خود برسند. این تفاوت اساسی، نشان‌دهنده‌ی اهمیت حضور مردمی و انسجام داخلی است.

دکتر حقانی با انتقاد از تقلیل مسائل ملی به محاسبات هزینه‌فایده، اظهار داشت: ملت‌ها گاهی تا پای جان می‌ایستند تا از تمامیت ارضی و استقلال خود دفاع کنند و این مسائل با فرمول‌های اقتصادی قابل ستجش نیست. وی افزود که در همان دوران کوتاه ملی‌شدن نفت، کارشناسان ایرانی توانمندی خود را نشان دادند و حتی پس از اخراج کارشناسان خارجی، فعالیت شرکت نفت ادامه یافت و در برخی حوزه‌ها مانند تولید روغن هواپیما توسعه پیدا کرد.

وی در ادامه به جنگ روانی گسترده‌ی دشمن اشاره کرد و گفت: این جنگ شامل ایجاد اختلاف، ناامیدسازی نسبت به آینده، پشیمان‌سازی از اقدام انجام‌شده، القای عقب‌ماندگی و لزوم باج‌دهی، و نهایتاً تقلیل یک امر ملی به اختلافات گروهی و معیشت بود. این عوامل دست‌به‌دست هم داد تا در روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، نتوانیم مقابله‌ی لازم را با جریان کودتا انجام دهیم.

این استاد دانشگاه همچنین به ابعاد پیچیده جنگ نرم امروز در کشور اشاره کرد و گفت: جنگ نرم ما همچنان ادامه دارد، اما البته پیچیده‌تر، گسترده‌تر و

دکتر حقانی تصریح کرد که این اتفاق هرچند در گام نخست تنها منافع انگلستان را به خطر انداخت، اما آمریکایی‌ها نیز به سرعت نسبت به آن حساس شدند، زیرا بیم آن داشتند که ملی‌شدن صنعت نفت در ایران به سایر کشورهای نفت خیز نیز سرایت کند. وی افزود که آمریکایی‌ها در این ماجرا شیطننتی هوشمندانه را در پیش گرفتند و با ژست میانجی‌گرانه میان ایران و انگلستان، حمایت ظاهری خود را از ملی‌شدن صنعت نفت اعلام کردند. این اقدام، به باور وی، موجب شد برخی از جریان‌ها داخلی دچار توهم شده و به آمریکا اعتماد کنند و گمان برند که می‌توانند با کمک این کشور نهضت ملی را به سرانجام رسانند.

وی افزود: آنچه در نیم‌روز ۲۸ مرداد رخ داد، نباید ملاک ارزیابی قرار گیرد؛ زیرا تحركات برای شکست نهضت ملی‌شدن صنعت نفت، اساساً از زمانی آغاز شد که زمینه‌های ملی‌شدن فراهم آمد. به گفته‌ی وی، انگلستان از طریق کانال‌ها و شبکه‌های نفوذی خود در ایران، مخالفت خود را در مجلس، احزاب و روزنامه‌ها آغاز کرد و برخی نشریات نیز دست به کار شدند. وی در ادامه به تشدید فشارها و آغاز جنگ نرم گسترده‌ای علیه ملت ایران اشاره کرد و گفت: نخستین اقدام دشمن، ایجاد اختلاف میان سران نهضت بود که متأسفانه به سرعت به بدنه‌ی اجتماعی نیز سرایت کرد. دومین اقدام، با توجه به محاصره‌ی دریایی و ممانعت از فروش نفت، القای این مسئله بود که هزینه‌های ملی‌شدن نفت بیش از فایده‌های آن است و بدین ترتیب یک امر ملی به مسئله‌ای معیشتی تقلیل یافت.

این مورخ برجسته تصریح کرد که مدام تهدید به حمله‌ی نظامی و محاصره‌ی اقتصادی مطرح می‌شد، اما ملی‌شدن نفت به یک امر ملی تبدیل شده بود و از پشتیبانی قاطبه‌ی مردم برخوردار بود. با این حال، زمانی که اختلافات دامن‌گیر شد و فشارهای اقتصادی و معیشتی، دولت را در پرداخت حقوق کارمندان و تأمین نیازهای مردم ناتوان ساخت، آن امر ملی به حاشیه رانده شد و زمینه برای موفقیت کودتا فراهم آمد. دکتر حقانی در ادامه به اشتباهات راهبردی در مقطع ۲۸ مرداد اشاره کرد و گفت: «یکی

خبر کوتاه

مراسم چهلم رهبر شهید پنجشنبه در سراسر کشور برگزار می‌شود

مراسم چهلم رهبر شهید انقلاب، روز پنجشنبه، ۲۹ مردادماه همزمان با شب شهادت حضرت امام حسن عسکری (ع) در سراسر کشور برگزار خواهد شد. شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی از عموم مردم دعوت کرد با حضور در این مراسم، یاد و خاطره رهبر شهید انقلاب را گرامی بدارند.

علم الهدی: مبارزه و مقاومت محور فضائل رهبر شهید انقلاب بود

آیت‌الله‌المکرم الهدی ظهرسه‌شنبه در مراسم بزرگداشت چهلم «آقای شهید ایران»، حضرت آیت‌الله‌عظمی سیدعلی خامنه‌ای (ره) با اشاره به فضائل و ویژگی‌های رهبر شهید انقلاب اسلامی اظهار کرد: خدا رحمت کند امام شهید مظلوم را؛ ایشان در کنار تمام فضایل و امتیازاتی که در ابعاد مختلف داشتند، فضایل زندگی‌شان برای ما نقش آموزشی دارد و با تعمق و دقت در این فضایل و ابعاد مختلف زندگی ایشان، می‌توانیم خط بگیریم و از آن برای زندگی خود آموزش بگیریم. وی افزود: در بسیاری از فضایل، ایشان نه تنها کم‌نظیر، بلکه باید گفت بی‌نظیر بودند. علاوه بر اینکه در علوم و فنون مختلف، هرگروهی که خدمت ایشان می‌رسیدند، از همان تخصص وارد بحث می‌شدند؛ درست مانند کسی که به عنوان یک کارشناس قطعی در آن تخصص وارد بحث شده است. نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی با تأکید بر اینکه محور اصلی فضایل رهبر شهید انقلاب اسلامی، مبارزه و مقاومت بود، اظهار کرد: با همه فضائلی که ایشان داشتند و با همه شخصیت برتر و والایی که در ایشان بود، آنچه مهم بود و محور تمام فضایل امام شهید مظلوم بود، مسئله مقاومت و مبارزه ایشان بود.

مخبر: آمریکا ایران را از خیابان‌هایش بشناسد، نه از گزارش اتاق‌های فکر

عضو مجمع تشخیص مصلحت و دستیار مقام معظم رهبری با اشاره به حضور حماسی مردم در شب‌های گذشته گفت: ایران اهل منطق و گفت‌وگوست، اما مذاکره را با تسلیم اشتباه نمی‌گیرد. آمریکا ایران را از خیابان‌هایش بشناسد، نه از گزارش اتاق‌های فکر‌هایش و اگر تصور می‌کند فشار و تحریم می‌تواند اراده این ملت را بشکند، در محاسبات خود تجدید نظر کند. مخبر درباره خباثت‌های آمریکا در خلیج فارس و همچنین جنایات اخیر رژیم صهیونیستی نیز تأکید کرد: ایران جنگ طلب نیست، اما از دفاع از امنیت و عزت و متحدان خود عقب نمی‌نشیند و قطعاً ملت ایران خون شهیدان خود را فراموش نمی‌کند و عدالت درباره عاملان و آمران این جنایت، مطالبه‌ای ملی و میهنی آحاد مردم ایران است. وی با تأکید بر ضرورت وحدت و خدمت به مردم گفت: حل مشکلات مردم نیز یک ضرورت مهم هم سنگ و اندازة دفاع از خاک ایران است و باید با افزایش رضایت در مردم نقشه‌های دشمن را در بعد جنگ شناختی و غیر نظامی نقشه برآب کرد که این امر نیز شدنی است و با مدیریت جهادی و افزایش بهره‌وری حتی در شرایط فعلی نیز ممکن است.

سردار حسن زاده: مردم تازمانی که احساس کنند حضورشان لازم است در خیابان می‌مانند

فرمانده سپاه تهران بزرگ گفت: مردم از همان آغاز جنگ با احساس مسئولیت در میادین حاضر شدند و تازمانی که احساس کنند حضورشان ضرورت دارد، به حضور خود ادامه خواهند داد. وی افزود: آنها هم برای پشتیبانی از نظام، انقلاب و کشور، هم برای حمایت از نیروهای مسلح، هم برای بیعت با ولایت و همچنین به خون‌خواهی رهبر عزیز شهیدمان، در خیابان‌ها هستند. به گفته سردار حسن زاده، مردم تازمانی در صحنه خواهند ماند که یقین پیدا کنند دشمن از اینکه بخواهد سایه جنگ را بر سر کشور نگه دارد، مأیوس شده است.

نویان: افتخار به تفاهم نامه وحدت شکنی است



حجت الاسلام سید محمود نبویان، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست

خارجی مجلس گفت: ضروری ترین موضوع در شرایط فعلی کشور، وحدت مسوولان و مردم است. اما باید توجه داشت ۱. محور وحدت، صرفا ولی فقیه و دیدگاه ها و فرامین ایشان است، ۲. ولی فقیه در نامه علی الاصول خود مورخ ۲۸ خرداد ۱۴۰۵ در مورد تفاهم نامه ایران و آمریکا فرمودند: من نظر دیگری داشتم، یعنی نظر موافقین را قبول نداشتم، ۳. اگر ملاک وحدت، دیدگاه رهبری است و اگر رهبری نظر موافقین تفاهم نامه را قبول نداشته و نظر دیگری

داشتند، پس الان هر مسئولی که برخلاف نظر رهبری، دیدگاه موافق تفاهم نامه دارد، او وحدت شکنی کرده است، چه رسد به این که تفاهم نامه را سند افتخار و پیروزی بداند، ۴. علی رغم روشن بودن این امر که رهبری، نظر دیگری در مورد تفاهم نامه داشتند، عده ای این سند خسارت آمیز را سند افتخار می دانند و نکته جالبش این است که خود را ولایت مدار هم می دانند! لا تکنونوا کالذین قالوا سمعنا و هم لا یسمعون (انفال/۲۱)

برخلاف مطالبه صریح رهبر انقلاب از مسئولان برای تحکیم انسجام، قالیباف روز گذشته با ادبیاتی دور از انتظار به صداوسیما تاخت

نطق برخلاف اتحاد مقدس

هجمه اخیر محمدباقر قالیباف به صداوسیما، آن هم در شرایطی که رهبر انقلاب بر ضرورت صیانت از وحدت و پرهیز از تفرقه تأکید کرده‌اند، این پرسش را به میان آورده که رئیس مجلس چرا به جای پاسخگویی به انتقادات درباره عملکرد خود، هم‌راستا با جریان‌های منتقد رسانه ملی، حمله به این نهاد را در دستور کار قرار داده است.

جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

منویات و تأکیدات رهبر معظم انقلاب در ضرورت حفظ وحدت تلقی می‌شود.

رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله‌سید مجتبی خامنه‌ای تیرماه گذشته در پیامی درباره درباره‌ی حماسه عظیم بدرقه آقای شهید ایران و تبیین مسائل مهم کشور تصریح داشتند: صیانت از وحدت و پرهیز از تفرقه و تنازع، اختلافات سیاسی و برجسته

کردن تفاوت‌های اجتماعی و وظیفه‌ی همگانی است و البته نقش مسئولان و عناصر دلسوز و دل‌باخته‌ی انقلاب و امام و رهبر شهید در انسجام و یکپارچگی کشور، مهم‌تر و حساس‌تر است.

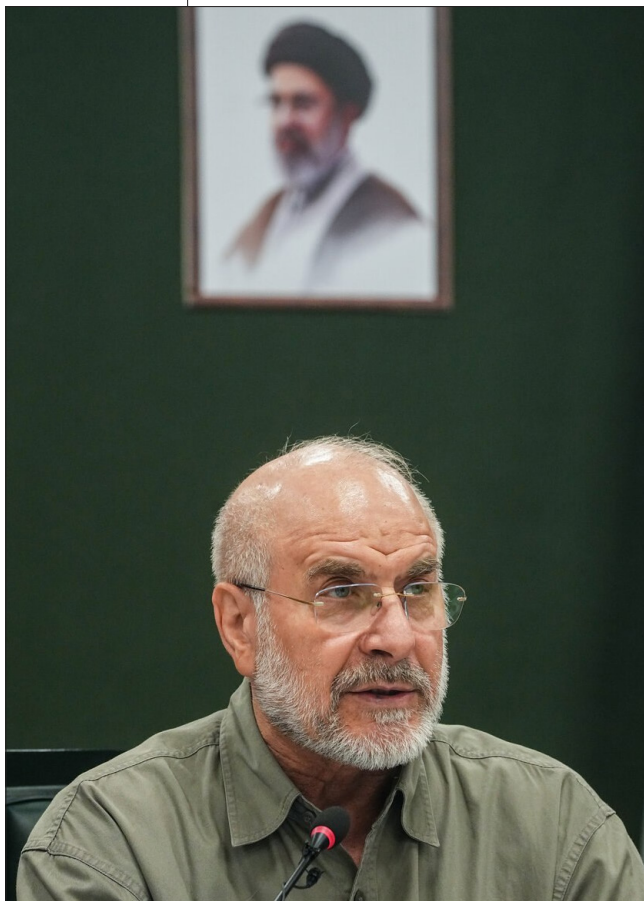
نادیده‌انگاشتن توصیه صریح رهبر انقلاب در خصوص ضرورت صیانت از وحدت، دومین مورد از رویکردهای انتقادبرانگیز قالیباف در تبعیت از رهبر معظم انقلاب تلقی می‌شود. پس از این و در ماجرای پیام معروف علی الاصول رهبر انقلاب پیرامون تفاهم نامه روسای جمهور ایران و آمریکا و در شرایطی که به اذعان معاون وزیر امور خارجه تمامی بندهای این تفاهم از سوی آمریکا متلاشی شده است، قالیباف بارها و بارها به تمجید از این تفاهم پرداخت و چند بار نیز تصریح داشت که مردم باید از این تفاهم نامه لذت ببرند.

همراهی با تندروها

مروری بر مواضع سیاسی اخیر قالیباف، از نزدیک شدن او به خط سیاسی دولت و اصلاح‌طلبان تندرو حکایت دارد. هجمه به صداوسیما و تخریب جبلی رئیس

رئیس مجلس و رئیس هیأت مذاکره‌کننده روز گذشته با ادبیاتی عجیب و دور از انتظار به صداوسیما جمهوری اسلامی هجمه برد. در شرایطی که انتقادات گسترده‌ای از قالیباف در موضوع تفاهم نامه و طی فرایندی متفاوت از نظرمبارک رهبر معظم انقلاب مطرح است و انتظار می‌رفت تا او به این انتقادات پاسخ دهد او اما تصمیم گرفت هم‌صدا با پزشک‌های و اصلاح‌طلبان تندرو، به صداوسیما هجمه برده و توصیه رهبر انقلاب مبنی بر لزوم حفظ وحدت را نادیده بگیرد.

رئیس قوه مقننه روز گذشته در جلسه مجازی مجلس که مشخص نیست قرار است تا کی بصورت مجازی برگزار شود، گفت: در توطئه جدید دشمن، جنگ شناختی کلیدی‌ترین نقش را بازی میکند و نقش رسانه‌ی ملی بیش از هر زمان دیگر پست که متأسفانه تاکنون موفقیت‌های لازم را در این زمینه نداشته است. وی افزود: تبیین ناکارآمدی‌های ساختاری، رویکردی و عملکردی صداوسیما فرصتی مبسوط می‌طلبد اما در این مجال می‌توان بر این نکته تأکید کرد که رسانه‌ی ملی باید به کانون انسجام بخشی و امیدآفرینی برای ۹۰ میلیون ایرانی وطن‌دوست با سلیقه‌های مختلف سیاسی و تفاوت‌های اجتماعی تبدیل شود. ادبیات دور از انتظار رئیس یکی از قوای سه‌گانه کشور علیه رسانه رسمی جمهوری اسلامی که رئیس آن نیز منصوب رهبر انقلاب است، اقدامی صریح علیه



این سازمان خط مشترک اصلاح‌طلبان تندرو و بخش‌هایی از دولت طی چند ماه اخیر بوده است. مشارکت سیاسی قالیباف در این پروژه پس از آن انجام می‌شود که هر دو طیف به اشتراک موضع در خصوص تفاهم نامه رسیده‌اند. وحدت نظر قالیباف و محمد خاتمی در راستای حمایت افراطی از متن پرتنقاد تفاهم نامه اخیرا مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته بود.

عبث از روحانی

در پیش گرفتن رویکرد رادیکال علیه صداوسیما توسط قالیباف آنهم در شرایطی که به لحاظ سیاسی در موقعیتی قابل نقد قرار گرفته و تلاش برای دوقطبی‌سازی با نهاد زیرنظر رهبر انقلاب، رویکردی است که پیش از این، چهره‌های منفوری چون حسن روحانی تا انتهای آن را رفته و نتیجه‌ای هم نگرفته است. این رویکرد شاید تا مدتی قالیباف را سوژه رسانه‌ها کند اما در نهایت برای او آورده‌ای نداشته و صرفا ترمز از دستور صریح رهبر انقلاب در خصوص ضرورت رعایت وحدت در کارنامه او ثبت خواهد شد.

گزارش کوتاه

کشور نیازمند یک رویکرد مسئولانه

است، نه سیاه‌نمایی از مشکلات

روز گذشته، جبهه پایداری انقلاب اسلامی در واکنش به تحرکات مشکوک جریان‌های غربگرا بیانیه‌ای صادر کرد. در بخشی از این بیانیه آمده است: جریانی که از زمان آغاز جنگ تحمیلی سوم تا امروز به دلیل اینکه با مواضع خود حافظ منافع آمریکا در ایران بوده و حاضر نشده برای مطالبه محاکمه متجاوزان آمریکایی به ایران کوچکترین قدمی بردارد، حتی در مقابل عهدشکنی دولت آمریکا نسبت به متن تفاهم نامه‌ای که این جریان تلاش می‌کند همچون برجام به یک متن مقدس تبدیلش کند نیز سکوت اختیار کرده، باز هم در اظهارات فاقد هرگونه منطق‌شان، این ایران و ایرانیان هستند که باید در جهان موازی اینان محاکمه شوند.

جبهه پایداری در بخشی دیگر از بیانیه خود تصریح کرده است: مسئولین محترم! مردم حق دارند بدانند چه بخشی از مشکلات ناشی از جنگ است و چه بخشی حاصل تصمیمات نادرست داخلی؛ همان گونه که نباید مشکلات اقتصادی را انکار کرد، نباید از عنوان جنگ نیز برای توجیه هر خطای اقتصادی استفاده کرد. مسئله را اگر درست شناسیم، راه حل را هم درست پیدا نخواهیم کرد. همچنین تأکید شد: امروز بیش از هر چیز به یک رویکرد مسئولانه نیاز داریم؛ نه انکار جنگ، نه انکار مشکلات اقتصادی؛ نه سیاه‌نمایی، نه امیدواری، بلکه بیان صادقانه واقعیت، پذیرش مسئولیت، اصلاح سیاست‌های اشتباه و نشان دادن راه خروج؛ مردم ایران در سخت‌ترین شرایط نیز بیش از آنکه نیازمند شنیدن خبرهای ناامیدکننده باشند، نیازمند دیدن مسئولانی هستند که ایستاده‌اند، مسئله را فهمیده‌اند و برای حل آن برنامه دارند.

در بخشی دیگر از این بیانیه به تلاش‌های جریان سازش در خنثی‌سازی اهرم راهبردی تنگه هرمز اشاره شد و تصریح شد: در شرایطی که این روزها خبرهای خوبی از مجلس شورای اسلامی در موضوع بررسی طرح راهبردی مدیریت تنگه هرمز که مزین به نام شهید تنگسیری است به گوش می‌رسد، جریان غربگرا و نماینده سیاسی آمریکا در ایران نگران تصویر ایران در جهان شده و وسوسه و ادا‌دگی در موضوع تنگه هرمز به عنوان دستاورد راهبردی جنگ تحمیلی سوم را تجویز می‌کند و مشخص نمی‌کند در شرایطی که دشمن متجاوز همه پل‌های پشت سرش را خراب کرده و جانی‌تی نبوده که در حق این ملت رواندا داشته باشد، چرا باید ملت ایران بارها کردن تنگه هرمز، زمینه تجاوزات بعدی به کشور را به دست خود رقم بزند؟!

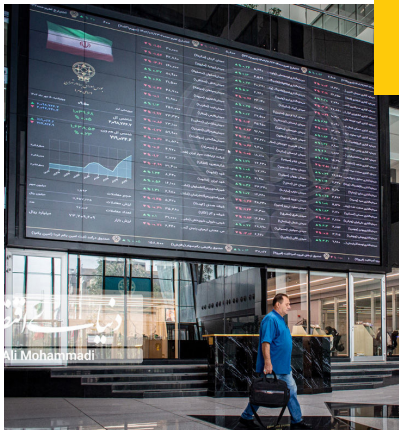
خبر کوتاه

زینی‌وند: برای برگزاری انتخابات

شوراها، منتظر تأیید شعام هستیم

روز گذشته رئیس ستاد انتخابات کشور گفت: هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی شهر و وزارت کشور از آمادگی لازم برای برگزاری انتخابات برخوردار هستند بنابراین هر زمان شورای عالی امنیت ملی اعلام کند شرایط برای برگزاری انتخابات فراهم است، ما انتخابات را برگزار خواهیم کرد البته در خصوص زمان برگزاری انتخابات، هم فکری و هم نظری با هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا صورت گرفت و تاریخی برای آن در نظر گرفته شد بنابراین این تاریخ، برای تأیید نهایی به شعام ارسال خواهد شد تا نظر نهایی به وزارت کشور اعلام شود.

شاخص بورس در آستانه ابرکانال ۶ میلیونی



بازار سهام در معاملات دیروز (سه‌شنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۵) روزی مثبت را پشت سر گذاشت و شاخص‌های اصلی در پایان معاملات سبزیوش شدند. معاملات با افت قیمت ۳۵ درصد نمادها آغاز شد اما در پایان دادوستدها نیمی از نمادها قرمزپوش شدند. شاخص کل بورس تهران بارشد ۴۹ هزار و ۵۶۶ واحدی (۰.۸۴ درصدی) در ارتفاع ۵ میلیون و ۹۴۷ هزار و ۵۳۸ واحد قرار گرفت. به این ترتیب، نماگر اصلی بازار تنها حدود ۵۲ هزار واحد با مرز ۶ میلیون واحد فاصله دارد؛ البته شاخص در معاملات روز چهارم هفته تا ۵ میلیون و ۹۷۰ هزار واحد نیز بالا رفت، اما با فشار عرضه‌ها بخشی از این رشد را پس داد. شاخص کل هم‌وزن نیز با افزایش ۹ هزار و ۱۲۳ واحدی (۰.۵۵ درصد)، به یک میلیون و ۶۷۳ هزار و ۷۱۱ واحد رسید. در فرابورس نیز شاخص کل با رشد

به ۴۸ هزار و ۱۹۱ میلیارد تومان رسید. با این حال، حقیقی‌ها در مجموع فروشنده بودند و خروج پول حقیقی به ۱۵۰۸ میلیارد تومان رسید. بیشترین ورود پول حقیقی به گروه‌های آهن و فولاد، سرمایه‌گذاری و دارویی اختصاص داشت. در مجموع، ارزش معاملات بورس و فرابورس به حدود ۳۰۹ هزار میلیارد تومان رسید و ارزش کل بازارهای سهام ایران، شامل بورس، فرابورس و بازار پایه، در محدوده ۲۰ هزار و ۴۱ هزار میلیارد تومان قرار گرفت. اکنون در شرایطی که شاخص کل به مرز ۶ میلیون واحد نزدیک شده، نحوه مواجهه عرضه‌کنندگان با این سطح و توان خریداران برای حفظ تقاضا، مسیر کوتاه‌مدت بازار را تعیین خواهد کرد؛ سطحی که اکنون به مهم‌ترین کانون توجه فعالان بازار تبدیل شده است.

۷۳ واحدی (۰.۱۶ درصد) در سطح ۴۷ هزار و ۶۸۸ واحد ایستاد. بررسی عملکرد صنایع نیز از غلبه نسبی تقاضا حکایت دارد. در معاملات روز گذشته، شاخص ۲۴ صنعت افزایش یافت و میانگین رشد شاخص صنایع بورسی به ۰.۵۴ درصد رسید. محصولات شیمیایی با رشد ۴.۷۷ درصدی صدرنشین افزایش‌های روزانه بود و پس از آن، مواد و محصولات دارویی و صنعت انتشار و چاپ بیشترین رشد را تجربه کردند. در مقابل، صنایع قند و شکر، لاستیک و پلاستیک و سیمان در زمره گروه‌هایی بودند که بیشترین افت روزانه را ثبت کردند. نکته قابل توجه دیگر، ثبت بالاترین سطح تاریخی شاخص برای ۱۳ صنعت در پایان معاملات است. ارزش معاملات خرد سهام و صندوق‌های سهامی

وزیر جهاد کشاورزی دومین کارت را از مجلس گرفت؛

سرنوشت نامعلوم ۴۵ همت نهاده دامی

یک هیئت تحقیق و تفحص متشکل از جمعی از نمایندگان، در حال بررسی پرونده «۴۵ هزار میلیارد تومان نهاده دامی که ارز آن با نرخ ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان آن تأمین شد اما هنوز عرضه نشده» هستند؛ پرونده‌ای که به گفته آنها، وزارت جهاد کشاورزی نه تنها برای روشن شدن ابعاد آن همکاری نکرده، بلکه اقدام به بستن دفتر هیئت تحقیق و تفحص کرده است. در صورتی که تخلف وزارت جهاد کشاورزی در این موضوع نیز اثبات شود، نوری قزلبه می‌تواند نخستین وزیر دولت باشد که توسط مجلس برکنار می‌شود.

سعی کرد آن را بی اهمیت جلوه داده و حتی به دولت‌های قبلی منتسب کند. وزیر جهاد کشاورزی در نشست خبری روز دوشنبه هفته جاری درباره تحقیق و تفحص از نهاده‌های دامی اظهار داشت: این تحقیق و تفحص از ۱۰ سال گذشته انجام شده و هنوز نهایی نشده است؛ گزارش آن توسط کمیسیون نهایی نشده و طبق آیین‌نامه، تا زمانی که نتیجه آن کامل نشده، نباید در صحن قرائت یا منتشر شود؛ بنابراین، اعداد و ارقام مطرح‌شده در رسانه‌ها صحت ندارد و مربوط به دوره‌ای خارج از دولت فعلی است. نوری قزلبه ادامه داد: دولت بر این باور است که اعداد و گزارش‌های مطرح‌شده صحت ندارد و باید تحقیقات کامل شود تا مشخص گردد آیا اتفاقی خارج از رویه رخ داده یا نه و پاسخ به افراد مسئول دوره مربوطه داده شود.

وزارت کشاورزی جلوی تحقیق و تفحص را گرفت

همان روز اما عباس بیگدلی، رئیس هیئت تحقیق و تفحص مجلس، اظهارات دیگری را مطرح کرد. وی از کشف تخلف ۴۵ هزار میلیارد تومانی در دریافت ارز دولتی برای واردات نهاده خبر داد. بنا بر اظهارات بیگدلی، وزارت جهاد کشاورزی نه تنها با هیئت تحقیق و تفحص در این پرونده همکاری نداشته، بلکه اقدام به بستن دفتر هیئت تحقیق و تفحص کرده است.

وی با انتقاد از اقدام وزارت جهاد کشاورزی در پلمب دفتر هیئت تحقیق و تفحص مجلس در ساختمان این وزارتخانه، تصریح کرد: دلیل این اقدام، یافته‌های هیئت و اطلاع از تخلف‌های متعددی است که در یک مورد آن، برای واردات ۳.۵ میلیون تن نهاده، ارز ترجیحی دریافت شده، اما نهاده‌ای در بازارگاه توزیع نشده است. رئیس هیئت تحقیق و تفحص مجلس از واردات و توزیع نهاده‌های دامی اضافه کرد: بزرگ‌ترین دلیلی که ما تا به امروز نتوانستیم پیگیری‌ها را جمع‌بندی کنیم، شرایط جنگی و همچنین عدم ارائه گزارش‌ها توسط وزارت جهاد کشاورزی بود.

وی افزود: ما در چند روز گذشته درخواست تمدید سه‌ماهه فعالیت هیئت تحقیق و تفحص را داشتیم و مکاتبات این کار هم انجام شده بود و در هر حال، حتماً این موضوعات را در راستای منافع کشاورزان و منافع تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان پیگیری می‌کنیم.

اما این ارقام در تیرماه ۱۴۰۵ به ترتیب به ۳۲۹ هزار و ۹۰۰ تومان و ۲۴۴ هزار و ۷۰۰ تومان رسیده است؛ به این ترتیب، قیمت مرغ حدود ۲۹۰ درصد و قیمت تخم‌مرغ حدود ۲۷۳ درصد افزایش داشته است. بیگدلی ادامه داد: در مورد برنج نیز در مردادماه ۱۴۰۳، قیمت هر کیلوگرم برنج ایرانی درجه یک حدود ۱۱۹ هزار تومان و برنج خارجی درجه یک حدود ۶۱ هزار تومان بود که در تیرماه ۱۴۰۵ به ترتیب به ۵۲۷ هزار و ۶۰۰ تومان و ۲۹۲ هزار تومان افزایش یافته است؛ این جهش قیمتی واقعاً برای مردم قابل تحمل نیست. وی تصریح کرد: آقای وزیر، وقتی نهاده‌های دامی گران می‌شوند، طبیعی است که قیمت گوشت، مرغ و تخم‌مرغ نیز افزایش پیدا کند و روند قیمت نهاده‌های دامی دقیقاً همین مسئله را نشان می‌دهد. بیگدلی با اشاره به افزایش قیمت ذرت و کنجاله سویا، اظهار کرد: قیمت ذرت در آبان، آذر و دی ماه به ترتیب به ۱۶ هزار، ۴۱ هزار و ۴۲ هزار تومان رسید. قیمت کنجاله سویا نیز از ۲۴ هزار تومان در آبان‌ماه به ۶۸ هزار تومان در دی‌ماه ۱۴۰۴ افزایش یافت. بنابراین، تنها در فاصله آبان تا دی‌ماه ۱۴۰۴، قیمت ذرت ۱۶۸ درصد و قیمت کنجاله سویا ۱۸۳ درصد افزایش پیدا کرد.

وی ادامه داد: پس از اصلاح نرخ ارز ترجیحی، هزینه خوراک دام و طیور آن‌قدر افزایش یافت که بسیاری از مرغداران مجبور شدند میزان جوجه‌ریزی را کاهش دهند. در نتیجه، تقاضا برای جوجه یک‌روزه کاهش یافت و قیمت آن در برخی مقاطع، از جمله اسفند ۱۴۰۴، به حدود هزار تومان رسید؛ اما چند ماه بعد، در فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵، بازار با یک شوک معکوس مواجه شد و قیمت جوجه یک‌روزه در برخی مقاطع به بیش از ۱۰۰ هزار تومان رسید.

ماجرای ۴۵ همت نهاده‌ای که ارز گرفت ولی عرضه نشد

انتقادها از عملکرد وزارت جهاد کشاورزی البته تنها به موارد مطرح‌شده در جلسه روز گذشته مجلس خلاصه نمی‌شود. یکی از مسائل مطرح درباره عملکرد این وزارتخانه، بلا تکلیف ماندن سرنوشت ۴۵ هزار میلیارد تومان نهاده دامی است که ارز برای آن تخصیص داده شده اما در سامانه بازارگاه عرضه نشده است؛ موضوعی که نوری قزلبه در نشست خبری دوازدهم پیش



نیماسپیلی روزنامه‌نگار

نشست علنی دیروز (سه‌شنبه ۲۷ مردادماه) مجلس شورای اسلامی به صورت ویدئو کنفرانس برگزار شد و در آن، سؤال عباس بیگدلی، نماینده مردم تاکستان، و ۵۰ نفر از نمایندگان مجلس از غلامرضا نوری قزلبه، وزیر جهاد کشاورزی، درباره عملکرد این وزارتخانه در حوزه مدیریت بخش دامداری کشور مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت، بیگدلی از پاسخ‌های وزیر جهاد کشاورزی قانع نشد و نمایندگان نیز پس از توضیحات نماینده سؤال‌کننده و وزیر مربوطه، با ۱۱۹ رأی موافق، ۱۰۶ رأی مخالف و ۵ رأی ممتنع از مجموع ۲۶۰ نماینده حاضر در جلسه، از توضیحات نوری قزلبه قانع نشدند. بدین ترتیب، نوری قزلبه دومین کارت زرد خود را از مجلس دریافت کرد.

وزیر کشاورزی: افزایش قیمت‌ها طبیعی است

نوری قزلبه در پاسخ به سؤال بیگدلی، نماینده مردم تاکستان در مجلس، با تأکید بر اینکه افزایش قیمت تمام‌شده محصولات طبیعی است، گفت: آنچه امروز در ایران شاهد هستیم، آرامش در بازار و تنظیم بازار است؛ در حالی که در سایر کشورها شاهد غارت فروشگاه‌ها در چنین شرایطی بودیم. مدیریت دولت و حضور مردم در صحنه و این تاب‌آوری و دوام اقتصادی، دشمنان ملت ایران را به حیرت واداشته است. امروز ما هیچ کمبودی در بازار نداریم.

افزایش ۲۹۰ درصدی قیمت مرغ

عباس بیگدلی در جریان سؤال از وزیر جهاد کشاورزی اظهار کرد: در فاصله ۱۶ ماه گذشته، تقریباً تورم خوراک‌ها سه برابر شده است. طبق آمارهای ارائه‌شده از سوی مرکز آمار، وضعیت قیمت مرغ و تخم‌مرغ حتی از این میزان نیز نامطلوب‌تر است. وی افزود: در مردادماه ۱۴۰۳، قیمت هر کیلوگرم مرغ حدود ۸۴ هزار و ۰۰۰ تومان و قیمت هر کیلوگرم تخم‌مرغ حدود ۶۵ هزار و ۵۰۰ تومان بود،



منابع حذف ارز ترجیحی کجا هزینه شد؟

عضو کمیسیون کشاورزی مجلس گفت: مسئله فقط گرانی نیست، بلکه منابع بخش کشاورزی نیز از مدار اصلی خود خارج شده است. پیش از اجرای این اصلاحات ارز، سالانه حدود ۷ میلیارد دلار واردات نهاده‌های دامی با نرخ ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان تأمین می‌شد. با حذف این نرخ و افزایش نرخ مینا به حدود ۱۱۲ هزار و ۵۰۰ تومان، تفاوت ایجادشده برای واردات سالانه نهاده‌ها حدود ۵۸۸ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود و زمانی که این نرخ دو ماه بعد به ۱۳۵ هزار تومان رسید، این رقم به حدود ۷۴۵ هزار میلیارد تومان افزایش یافت. باید مشخص شود منابعی که در نتیجه تغییر نرخ ارز ترجیحی ایجاد شده، چگونه و در کجا هزینه شده است.

موج خبر

حق بیمه عبور از تنگه هرمز ۵۰ برابر شد

قیمت نفت در معاملات دیروز (سه‌شنبه) همزمان با افزایش نگرانی‌ها درباره اختلال عرضه و تداوم تنش‌ها در منطقه، صعودی شد. هر بشکه نفت برنت با ۰.۹۲ درصد افزایش نسبت به روز دوشنبه، به ۹۱.۷۱ دلار رسید. با این حال بازار بیمه دریایی در پی افزایش تنش‌ها در تنگه هرمز و دریای سرخ، با جهش کم‌سابقه نرخ‌ها روبه‌رو شده است. بر اساس گزارش «اینشورار»، نرخ بیمه ضد جنگ برای کشتی‌هایی که قصد عبور از تنگه هرمز را دارند، اکنون بین ۷.۵ تا ۱۲ درصد ارزش کشتی است؛ در حالی که پیش از آغاز تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران در ۱۹ اسفند سال گذشته، این نرخ معمولاً حدود ۰.۲ تا ۰.۲۵ درصد بود.

به این ترتیب، نرخ بیمه در بالاترین سطح اعلام‌شده، حدود ۵۰ برابر افزایش یافته است. برای نمونه، بیمه یک نفتکش ۱۰۰ میلیون دلاری که پیش از جنگ برای هر بار عبور حدود ۲۵۰ هزار دلار هزینه داشت، اکنون به حدود ۱۲.۵ میلیون دلار رسیده است. منابع کارگزاری اعلام کرده‌اند نرخ بیمه هرمز بسته به شرایط روز بین ۷.۵ تا ۱۲ درصد نوسان دارد و بی‌ثباتی وضعیت، قیمت‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. همزمان، برخی شرکت‌های بیمه سهم خود را در این منطقه کاهش داده یا فعالیت خود را به مناطق دیگر منتقل کرده‌اند. در دریای سرخ نیز ریسک برای کشتی‌های عربستان سعودی افزایش یافته است.

پس از اعلام محاصره کشتیرانی سعودی از ۲۹ تیرماه امسال توسط یمن، نرخ بیمه کشتی‌های غیرسعودی بین ۰.۳۵ تا ۰.۷۵ درصد گزارش شده، اما برای کشتی‌های سعودی یا نرخ بیمه‌ای ارائه نمی‌شود یا نرخ‌ها به ۲.۵ تا ۳.۵ درصد می‌رسد؛ رقمی که نسبت به کشتی‌های دیگر افزایش قابل توجهی دارد. تعداد کشتی‌های عبوری از باب‌المندب نیز از ۵۵ فروند در هفته گذشته به ۴۹ فروند در این هفته کاهش یافته و در میان آنها نفتکش سعودی مشاهده نشده است.

وال استریت جورنال نیز نوشت: پیش از جنگ، روزانه بیش از ۱۳۰ کشتی از تنگه هرمز عبور می‌کردند، اما روز سه‌شنبه این رقم به ۱۴ کشتی رسید. در ماه ژوئیه میانگین عبور روزانه ۲۶ کشتی و در ماه ژوئن ۳۳ کشتی بود. از ۱۶۶ عبور ثبت‌شده در ماه اوت نیز تنها دو کشتی از مسیر امتداد سواحل عمان، تحت حمایت آمریکا، عبور کرده‌اند. افزایش بیمه، کاهش تردد و خروج نفت از بازار، تصویری از اختلال گسترده در دو مسیر حیاتی تجارت و انرژی جهان ارائه می‌دهد؛ وضعیتی که با افزایش ریسک، کاهش اعتماد و عقب‌نشینی برخی بیمه‌گران، چرخه‌ای فزاینده از افزایش هزینه‌های کشتیرانی ایجاد کرده است.

قالیباف دیروز وعده حفظ قدرت خرید را می‌داد، امروز خواستار افزایش اعتبار کالا برگ شد؛

قدرت خرید کالا برگ ۷۰ درصد آب رفت

هشت ماه پس از آغاز اجرای طرح کالا برگ الکترونیکی، اکنون یکی از مهم‌ترین پرسش‌های معیشتی کشور این است که چرا اعتبار کالا برگ، برخلاف وعده اولیه برای متناسب‌سازی آن با تورم و افزایش قیمت کالاهای اساسی، همچنان در همان سقف یک میلیون تومان

باقی مانده است؟ در شرایطی که قیمت کالاها افزایش یافته و ارزش واقعی این اعتبار کاهش شدیدی پیدا کرده، دولت هنوز تصمیمی برای افزایش رقم کالا برگ نگرفته است؛ با این حال، مجلس دیروز عملکرد دولت در خصوص کالا برگ را بررسی کرد.



هادی هدایت زاده

روزنامه نگار

مسئله فقط ثابت ماندن رقم کالا برگ نیست؛ در دو ماه گذشته، تأخیر در پرداخت مطالبات فروشگاه‌هایی که کالا را در قالب این طرح به مردم عرضه کرده‌اند نیز به چالشی جدی تبدیل شده است. بسیاری از فروشگاه‌ها با اتکا به مصوبه دولت درباره تسویه ۷۲ ساعته، کالاهای مورد نیاز مردم را ارائه کرده‌اند، اما پرداخت مطالبات آن‌ها با تأخیر مواجه شده است. از سوی دیگر، داده‌ای که خبرگزاری فارس بر اساس اطلاعات یک مؤسسه آماری منتشر کرده، تصویری روشن از کاهش قدرت خرید خانوار ارائه می‌دهد. در مقایسه دوره‌های مورد اشاره، حجم خرید مواد غذایی مردم کم نشده، اما خانوارها برای خرید همان حجم کالا، ۵۲ درصد پول بیشتری پرداخت کرده‌اند؛ این یعنی حتی اگر میزان خرید مواد غذایی ثابت مانده باشد، فشار هزینه‌ای خانوار به شکل محسوسی افزایش یافته است. بررسی داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد قیمت متوسط خوراکی‌ها در تیرماه امسال نسبت به آذر سال گذشته حدود ۷۱ درصد افزایش داشته است؛ به نوعی قدرت خرید کالا برگ یک میلیون تومانی در تیرماه امسال ۷۰ درصد کمتر شده است.

محمد باقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، در نشست علنی مجازی مجلس درباره ضرورت تغییر وضعیت کالا برگ گفت: از ضرورت‌های جدی که باید هرچه زودتر اجرایی شود، تغییر شیوه استفاده از کالا برگ یا افزایش اعتبار آن است که قدرت خرید مردم را بالا می‌برد و آرامشی برای معیشت هم‌وطنان عزیز ایجاد می‌کند و گام مؤثری برای مقابله با فشارهای اقتصادی دشمن و برطرف کردن موقت برخی از ناکارآمدی‌های مدیریتی محسوب می‌شود. اما اهمیت سخنان قالیباف زمانی بیشتر می‌شود که آن را کنار سخنان قبلی رئیس مجلس قرار دهیم. قالیباف در زمان حذف ارز ترجیحی (۱۵ دی ماه ۱۴۰۴) گفته بود: وظیفه خود می‌دانم از دولت بابت به مرحله اجرا درآوردن قانون کالا برگ تشکر کنم. مردم می‌توانند اطمینان داشته باشند که قدرت خریدشان در تهیه کالاهای اساسی حفظ می‌شود. نکته مهم آن است که دولت متعهد گردیده اعتبار کالا برگ را با تورم و تغییرات تدریجی قیمت‌ها در

دوره‌های بعدی افزایش دهد. او افزود: تأکید می‌کنم که در این طرح ارز ترجیحی حذف نمی‌شود، بلکه منافع آن مستقیماً به خود مردم خواهد رسید و دوران میلیارد‌ها دلار رانت انحصاری به پایان می‌رسد.

۴۱۲ همت برای ادامه کالا برگ

سید حمید پورمحمدی، رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور، در مجلس تلاش کرد ریشه اصلی مشکل را در محدودیت منابع مالی دولت توضیح دهد. وی گفت: ۷۰۰ هزار میلیارد تومان در بودجه‌های عمومی و ۲۶۰ هزار میلیارد تومان در حوزه هدفمندی کسری وجود دارد. پورمحمدی تأکید کرد: تا پایان سال حدود ۴۱۲ همت برای استمرار کالا برگ نیاز است و اگر قرار باشد منابع بیشتری نیز به طرح کالا برگ اضافه شود، این رقم افزایش خواهد یافت. رئیس سازمان برنامه و بودجه اعلام کرد: ۸۰۵۲ میلیارد دلار در بودجه برای کالاهای اساسی و دارو پیش‌بینی شده که ۳۰۵۲۳ میلیارد دلار آن برای دارو و ۵ تا ۵۰۵ میلیارد دلار برای کالاهای اساسی است. تاکنون ۲۰۸ میلیارد دلار وصول شده که ۶۰۰ میلیون دلار برای دارو و ۲۰۲ میلیارد دلار برای کالاهای اساسی مصرف شده است. این منابع حدود ۲۶۰ همت برای بانک مرکزی ایجاد کرده و بانک مرکزی نیز ۲۸۷ همت پرداخت داشته است.

احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، نیز در خصوص تأخیر پرداخت به فروشگاه‌ها، با بیان اینکه تا پایان خردادماه تسویه حساب با فروشگاه‌ها به صورت شبانه انجام می‌شد، گفت: از ۲۵ خردادماه با وقفه‌هایی در پرداخت‌ها مواجه شدیم که این وقفه‌ها در گذشته حدود ۲۰ روز بود و اکنون به حدود ۱۰ روز کاهش یافته است. میدری بیان کرد: از افزایش کالا برگ دفاع می‌کنم، اما باید توجه داشت که افزایش مبلغ کالا برگ می‌تواند با افزایش تورم نیز همراه باشد و میزان این اثر، موضوعی کارشناسی است که در میان اقتصاددانان نیز درباره آن اختلاف نظر وجود دارد. وزیر رفاه از کاهش قدرت خرید در اقتصاد سخن گفت. بر اساس آمارهای شاپرک که او ارائه کرد، خرید روزانه مردم از کل فروشگاه‌ها در بهمن ماه حدود ۸۹ همت بوده که پس از جنگ به ۷۲ همت کاهش یافته است.

درآمدهای نفتی شفاف شود

غلامرضا تاجگردون، نماینده اصلاح طلب

و رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس، مسئله را بیش از آنکه صرفاً کمبود پول بدانند، مشکل شفافیت منابع عنوان کرد و گفت: باید نفت فروخته شود، ارز حاصل از آن بازگردد، به ریال تبدیل شود و ماه به التفاوت نرخ ۲۸ هزار تومان تا نرخ بالاتر به کالا برگ اختصاص یابد. طبیعی است که کاهش فروش نفت مشکلاتی ایجاد کرده، اما به نظر این مشکلات به اندازه‌ای که مطرح می‌شود نبوده است. او گفت: ما نمی‌دانیم در گذشته چقدر نفت فروخته‌ایم، چه میزان از منابع آن برگشته و این منابع چگونه تبدیل شده است. علی بابایی کارنامی، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس، اظهار کرد: کالا برگ واقعی در کشور هنوز محقق نشده است. در واقع ما کالا تحویل مردم نمی‌دهیم. او افزود: ۹۹۰ همت در بودجه برای آن اعتبار قرار دادیم. برای ما مشخص نیست ۹ میلیارد دلار که در طول سال جاری تا مردادماه باید تسعیر ارز انجام می‌شد، چه شد. «بابایی درباره ارزش واقعی کالا برگ نیز تأکید کرد: «برآورد ما آن است که اعتبار آن باید دو برابر شود، وگرنه این کالا در معیشت خانوارها اثر نخواهد گذاشت.

عباس صوفی، نایب رئیس کمیسیون عمران مجلس، نیز عملکرد دولت را در اجرای طرح مورد انتقاد قرار داد و گفت: متأسفانه به دلیل عدم کنترل تورم و مشکلات اجرایی، کالا برگ نتوانست به خوبی اثرگذار باشد. او ادامه داد: در واقع به دلیل بد عمل کردن دولت در این عرصه، اجرای کالا برگ اثر خود را نتوانست به خوبی نشان دهد و مردم از این وضعیت گرانی خسته هستند. آنچه از مجموع اظهارات جلسه دیروز مجلس به دست می‌آید، تصویری روشن از شکاف میان هدف اولیه کالا برگ و وضعیت فعلی آن است. قرار بود این طرح با انتقال ارز ترجیحی به مصرف‌کننده، قدرت خرید خانوار را حفظ کند، اما اکنون خود نمایندگان و اعضای دولت از کاهش قدرت خرید سخن می‌گویند. اگر کالا برگ قرار است ابزار جبران افزایش قیمت‌ها باشد، ثابت ماندن رقم آن در برابر رشد هزینه‌های خانوار، عملاً فلسفه وجودی این سیاست را زیر سؤال می‌برد؛ و چنانچه منابع کافی برای افزایش آن وجود ندارد، دولت و مجلس باید به صورت شفاف به مردم توضیح دهند که وعده اولیه چگونه قرار است محقق شود.

آن چیزی که می‌خواستند محقق نشد

حمید رسایی، نماینده تهران، می‌گوید: قرار بود قدرت خرید مردم با کالا برگ حفظ شود؛ در واقع اگر قرار بود فقط پول نقدی به مردم بدهیم، دیگر اسمش کالا برگ نبود و همان روش شکست خورده قبلی بود که طی ۱۵ سال انجام شد و عملاً نتیجه‌ای نداشت.

پیش از اجرای سیاست ارزی، درباره حذف ارز کالاهای اساسی هشدار داده شده بود. کالا برگی که چند ماه پیش اکنون قدرت خرید مردم را به آن اندازه حفظ نمی‌کند.

متأسفانه مسئولین دولت و کسانی که از این سیاست در مجلس حمایت می‌کردند، هرچند نیت خیری داشتند، اما عملاً آن چیزی که می‌خواستند محقق نشده است.

نبض اقتصاد

خلیج فارس؛ بنگاه بورسی یا حیاط خلوت دستورهای سیاسی؟

ماجرای محمد شریعتمداری و هلدینگ صنایع پتروشیمی خلیج فارس، دیگریک اختلاف مدیریتی نیست؛ پرونده‌ای است که آرام‌آرام چهره سیاسی خود را آشکار کرده است. مدیرعامل فعلی هلدینگ، در شرایطی که سازمان بورس صلاحیت حرفه‌ای حسن عباس‌زاده، گزینه پیشنهادی برای مدیریت این مجموعه، را تأیید کرده، در نامه‌ای به رئیس سازمان بورس اعلام کرده که اعضای جدید هیأت مدیره را نمی‌پذیرد و برای تعیین تکلیف، خواستار استعلام از دفتر رئیس جمهور شده است. شریعتمداری برای ماندن در رأس یکی از بزرگ‌ترین بنگاه‌های اقتصادی کشور، اکنون مستقیماً به پشتوانه دفتر رئیس جمهور استناد می‌کند. بر اساس نامه ارسالی، شریعتمداری با اشاره به ابلاغیه دفتر رئیس جمهور خطاب به وزیر نفت، تأکید کرده که تا اطلاع ثانوی، تمامی اقدامات، تصمیمات و ابلاغ‌های مرتبط با تغییر مدیریت این شرکت متوقف و وضعیت به پیش از تغییرات بازگردانده شود. او از رئیس سازمان بورس خواسته تا پیش از هرگونه اقدام، تکلیف نهایی را از دفتر رئیس جمهور استعلام کند.

همین نقطه است که ماجرا را از یک پرونده بورسی به یک موضوع سیاسی تبدیل کرده است. اوسابقه حضور در دولت‌های مختلف و مسئولیت‌های اجرایی را در کارنامه دارد؛ بنابراین وقتی چنین چهره‌ای در برابر فرآیند تغییر مدیریت یک هلدینگ بزرگ ایستادگی می‌کند و استناد خود را به دستور رئیس جمهور گره می‌زند، نمی‌توان ماجرا را صرفاً یک اختلاف اداری دانست. سؤال اصلی اینجا است که چه اتفاقی افتاده که پرونده مدیریت هلدینگ خلیج فارس به دفتر رئیس جمهور کشیده شده است؟

از یک طرف سهامداران مسیر تغییر اعضای هیأت مدیره را دنبال کرده‌اند و سازمان بورس نیز صلاحیت حرفه‌ای گزینه جدید را تأیید کرده است. از طرف دیگر، مدیرعامل فعلی می‌گوید دفتر رئیس جمهور دستور توقف تغییرات را داده است. این دو روایت در کنار یکدیگر، تصویری از شکاف میان فرآیند رسمی شرکت و مداخله سیاسی در تصمیم‌گیری مدیریتی ارائه می‌دهد. البته اگر رئیس جمهور واقعاً دستور توقف تغییرات را صادر کرده باشد، اصل این موضوع باید شفاف شود. چرا باید سرنوشت مدیریتی یک شرکت بورسی که میلیون‌ها سهامدار از جمله سهامداران عدالت دارد، در سطحی خارج از ساختار رسمی شرکت تعیین تکلیف شود؟ وجه دیگر پرونده، جنگ قدرت بر سر یکی از مهم‌ترین هلدینگ‌های اقتصادی کشور است. هلدینگ خلیج فارس صرفاً یک شرکت پتروشیمی نیست؛ مجموعه‌ای عظیم از دارایی‌ها، شرکت‌های زیرمجموعه، پروژه‌های سرمایه‌گذاری و جریان‌های مالی را در اختیار دارد. طبیعی است که مدیریت چنین مجموعه‌ای اهمیت اقتصادی و به تبع آن اهمیت سیاسی داشته باشد. از این منظر، کشمکش بر سر صندلی مدیرعاملی خلیج فارس را باید بخشی از رقابت بر سر نحوه اداره منابع بزرگ اقتصادی کشور نیز دانست. هر جناح و هر جریان مدیریتی که بتواند در رأس چنین مجموعه‌ای قرار گیرد، علاوه بر قدرت اقتصادی، از ظرفیت قابل توجهی برای اثرگذاری بر شبکه مدیریتی صنعت پتروشیمی برخوردار خواهد بود.

شریعتمداری برای حفظ موقعیت خود به یک پشتوانه سیاسی متوسل شده است که رفع آن بر عهده دولت است. در واقع، اکنون توپ در زمین دولت است. اگر دفتر رئیس جمهور واقعاً در این پرونده ورود کرده، باید پاسخ دهد چرا. اگر ورود نکرده، باید روایت مطرح‌شده از سوی مدیرعامل هلدینگ اصلاح شود. نمی‌توان یک شرکت بورسی با این حجم از دارایی و سهامدار را در وضعیت بلاتکلیف نگه داشت و هر بار برای توضیح آن به یک «دستور از بالا» استناد کرد.

پرونده شریعتمداری در هلدینگ خلیج فارس در نهایت می‌تواند به یک آزمون مهم برای دولت چهاردهم تبدیل شود که آیا دولت می‌خواهد اداره بنگاه‌های بزرگ اقتصادی را بر اساس قواعد شفاف و سازوکارهای شرکتی دنبال کند یا همچنان تصمیمات مدیریتی در اقتصاد ایران تحت تأثیر مناسبات سیاسی و ارتباطات پشت‌پرده تعیین خواهد شد؟ پاسخ به این سؤال، از سرنوشت یک مدیرعامل مهم‌تر است. زیرا مسئله اصلی امروز، صندلی شریعتمداری نیست؛ مسئله این است که صندلی مدیریت بزرگ‌ترین هلدینگ پتروشیمی کشور تا چه اندازه به قانون وابسته است و تا چه اندازه به سیاست.

یادداشت

آتش طمع ترامپ، دامن کی‌یف را گرفت

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

جنگ اوکراین امروز بیش از هر زمان دیگری پرده از خسارات سیاست جنگ طلبانه آمریکا کنار زده است. سیاستی که در آن حتی نزدیک‌ترین متحدان واشنگتن نیز تا زمانی اهمیت دارند که در خدمت منافع آمریکا باشند. اوکراین که قرار بود با حمایت غرب به خط مقدم مقابله با روسیه تبدیل شود، اکنون خود گرفتار بحرانی شده که بخشی از آن نتیجه همین سیاست‌های سودمحور است.

گزارش شبکه CNN از وضعیت پدافندی اوکراین، ابعاد این بحران را آشکار کرده است. براساس این گزارش، کی‌یف تقریباً همه موشک‌های رهگیر خود را مصرف کرده و برخی سامانه‌های پاتریوت این کشور هفته‌هاست بدون شلیک باقی مانده‌اند. حتی تصویری منتشر شده که نشان می‌دهد یکی از سامانه‌های پاتریوت حدود ۱۰ هفته هیچ شلیکی نداشته است. این وضعیت برای اوکراین بسیار خطرناک است. چراکه پاتریوت از محدود سامانه‌هایی است که توان مقابله با موشک‌های بالستیک را دارد.

اما چرا اوکراین به این نقطه رسیده است؟ پاسخ را باید در سیاستی جست و جو کرد که واشنگتن در آن منافع خود را بر امنیت متحدانش مقدم می‌داند.

زلنسکی می‌گوید اوکراین برای عبور از زمستان تنها به ۵ درصد از ذخایر آمریکا نیاز دارد، اما واشنگتن فعلاً از ارسال موشک‌های پاتریوت خودداری می‌کند. دلیل آن نیز روشن است. جنگ‌های متعدد، ذخایر تسلیحاتی آمریکا را تحت فشار قرار داده‌اند.

براساس گزارش‌های منتشر شده، ذخیره موشک‌های رهگیر پاتریوت آمریکا به حدود ۸۰۰ فروند رسیده است. مؤسسه پژوهش سیاست خارجی نیز اعلام کرده آمریکا و متحدانش تنها در چهار روز نخست جنگ با ایران، به طور میانگین روزانه ۲۲۵ رهگیر شلیک کرده‌اند؛ رهگیرهایی که بخشی از آنها می‌توانست در اختیار اوکراین قرار گیرد.

یک فرمانده نظامی اوکراینی نیز به CNN گفته است که از حجم موشک‌های شلیک شده در جنگ با ایران شوکه شده‌اند؛ زیرا «همان موشک‌هایی» بودند که اوکراین می‌توانست علیه موشک‌های بالستیک روسیه استفاده کند.

این ماجرا یک واقعیت تلخ را نشان می‌دهد. اوکراین در بازی قدرت آمریکا گرفتار شده است. ترامپ و سیاستمداران آمریکایی از جنگ تا زمانی حمایت می‌کنند که هزینه آن بر دوش دیگران باشد اما وقتی پای منافع مستقیم آمریکا و کاهش ذخایر تسلیحاتی واشنگتن به میان می‌آید، اولویت‌ها تغییر می‌کند.

امروز کی‌یف باید تاوان قمار قدرت‌های غربی را بپردازد؛ قمار که در آن سود و طمع آمریکا بر امنیت اوکراین مقدم شده است. اوکراین نه تنها در میدان جنگ با روسیه فرسوده شده، بلکه در نتیجه همین بازی قدرت، حتی توان دفاعی خود را نیز در معرض فرسایش قرار داده است.

بین الملل

یونيفل: اسرائیل روزانه ۱۳۷ پرتابه به سمت جنوب لبنان شلیک می‌کند

نیروی موقت سازمان ملل متحد در جنوب لبنان (یونيفل) از افزایش چشمگیر تجاوزهای رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان خبر داده و تأکید کرد که قطعنامه ۱۷۰۱ همچنان چارچوب اصلی بازگرداندن ثبات به منطقه است.

«یونيفل» در بیانیه خود با اعلام اینکه «دو هفته اخیر شاهد افزایش چشمگیر فعالیت نظامی اسرائیل در جنوب لبنان بوده است» تصریح کرد که بین ۵ تا ۱۶ اوت روزانه به صورت میانگین ۱۳۷ حمله صهیونیستی در روز علیه لبنان صورت گرفته است. تعداد این حملات در روز شنبه گذشته ۲۰۸ مورد و روز یکشنبه ۱۸۵ مورد بوده است.

این بیانیه همچنین اشاره کرد که تجاوزهای رژیم صهیونیستی بسیاری از خانواده‌ها را به سبب فقدان امنیت و وضعیت بلاتکلیفی حاکم، به آوارگی یا تغییر الگوی زندگی روزمره‌شان واداشته است. این بیانیه افزود: نیروهای حافظ صلح با انجام گشت‌زنی‌ها، پایش تحولات، برداشتن موانع از جاده‌ها، کاهش خطرات مواد منفجره و تسهیل رسیدن کمک‌های بشردوستانه،

حضور میدانی روشن در منطقه حفظ می‌کنند. یونيفل در پایان بیانیه خود بار دیگر تأکید کرد که قطعنامه ۱۷۰۱ همچنان چارچوب اصلی بازگرداندن ثبات است. وی اعلام کرد که تجدید تعهد همه طرف‌ها به اصول آن امری ضروری است.



گزارش جالب گاردین از جنگی که میراث ترامپ را بر باد خواهد داد

کامیون خوابِ بازنده

ترامپ که به نوشته اطرافیان‌ش روزگاری خود را در شمار قدرتمندترین مردان تاریخ به حساب می‌آورد، حالا بدل به بازنده‌ترین رهبر سیاسی دنیا شده است که برای فرار از تهدید ترور، در ماشین کترینگ پنهان می‌شود؛ این گزاره‌ای است که روزنامه بریتانیایی گاردین در رابطه با اوضاع و احوال این روزهای ترامپ می‌نویسد.

کانتینر حمل غذای فرودگاه برای در امان ماندن از تلاش احتمالی ایران برای ترور او، در تضاد آشکار با برند «مرد سرسخت» است که او سال‌ها برای پرورش آن زمان صرف کرده بود.

به نوشته گاردین، جانمایی ترامپ در آن کامیون، یک نماد کامل از وضعیت شکست سیاسی او در جنگ با ایران است «فراتر از این تصویرسازی‌های متناقض، این واقعیت که ترامپ در یک کامیون کترینگ پناه گرفته است، پیامدهای سیاسی عمیق‌تری دارد. این اتفاق، تبلور ناکامی ترامپ در جنگ با ایران است: رئیس‌جمهوری که دائماً به قدرت نظامی آمریکا می‌بالد و سعی در القای قدرت شخصی خود دارد، در عوض در مقابل دیدگان جهانیان، در حالی که از عواقب اقدامات خود پنهان می‌شود، ضعیف به نظر می‌رسد. نزدیک به شش ماه پیش، ترامپ جنگ بی‌محابای خود علیه ایران را به عنوان اقدامی ناشی از غرور امپریالیستی آغاز کرد و این نقطه اوج مجموعه‌ای از اقدامات قانون‌شکنانه او از زمان بازگشت به قدرت در سال ۲۰۲۵ بود».

به باور این رسانه، در نهایت ماه‌ها زمان خواهد برد تا ترامپ پی به عواقب حماقت خود ببرد، ولی در نهایت، این شکست به عنوان میراث او در تاریخ خواهد ماند «زمان می‌برد تا ترامپ آسیبی را که این پنهان‌کاری به تصویر خودساخته‌اش به عنوان یک رهبر قدرتمند و مسلط جهانی وارد کرده است، جبران کند. اما مهم‌تر از آن، تصمیم فاجعه‌بار او برای آغاز جنگ علیه ایران، تا مدت‌ها پس از ترک منصب، میراث او را شکل خواهد داد».

مقتدر» در هم بشکند: رئیس‌جمهور آمریکا پس از شرکت در نشست ناتو، با یک پرواز نظامی و مخفیانه ترکیه را ترک کرد؛ آن هم در حالی که کاخ سفید به افکار عمومی گفته بود او

سوار بر هواپیمای ویژه ریاست‌جمهوری (ایرفورس وان) پرواز می‌کند. این عملیات شامل یک ترند پیچیده بود که در آن ترامپ در مقابل دوربین‌های تلویزیونی سوار بر جت غول‌پیکر خود شد و سپس توسط سرویس مخفی از طریق یک کامیون تأمین غذای فرودگاه (کترینگ) به سرعت از آنجا خارج شد. به نوشته گاردین، این سروشکل فرار و نتایج نظرسنجی‌ها، نتیجه خودخواسته جنگی نالازمی است که ترامپ برای خود خرید و حالا باید حساب آن را پس بدهد «این ضرورت شرم‌آور، نتیجه جنگ غیرضروری ترامپ علیه ایران بود. بر اساس گزارش‌های واشنگتن پست و نیویورک تایمز، مقامات آمریکایی به این دلیل از چنین سطح بالایی از پنهان‌کاری استفاده کردند که نگران تلاش ایران برای ترور ترامپ بودند».

به باور گاردین، فرار ترامپ در تضاد کامل با تصویرمرد سرسختی است که او سال‌ها از خود ساخته بود «به راحتی می‌توان فهمید که چرا ترامپ و دولت‌ش پس از برطرف شدن خطر، نمی‌خواستند جزئیات این نقشه فریبکارانه را به صورت عمومی به اشتراک بگذارند؛ کاری که روسای جمهور پیشین هنگام استفاده از پنهان‌کاری برای سفر به مناطق جنگی و دیگر مکان‌های پرخطر انجام می‌دادند. تصویر ترامپ در حال پنهان شدن در

احسان میرباقری
روزنامه‌نگار

به گزارش گاردین، ترامپ سال‌ها بر اساس کیش شخصیت و نارسسیم زندگی خود را بنا کرده بود «برای دهه‌ها، دونالد ترامپ تصویر عمومی خود را بر پایه قدرت و سلطه‌گری بنا کرد. او یک غول جسور املاک و مستغلات در نیویورک بود؛ یک ستاره تلویزیون واقع‌نما که از تکه‌کلام معروفش «تو اخراجی!» برای حذف شرکت‌کنندگان برنامه‌ها استفاده می‌کرد و در نهایت به مقام ریاست‌جمهوری ایالات متحده و رهبری بلانمازع حزب جمهوری خواه رسید».

در ماه‌های اخیر، ترامپ خودستایی را به حد افراط رسانده است؛ تا جایی که براساس گزارش‌ها به نزدیکانش گفته است که «قدرتمندترین انسانی است که تاکنون زیسته» و خود را با برخی چنگیز خان، ناپلئون، هیتلر، استالین و مائو مقایسه کرده است».

حالا او با این وضع و احوالات، بدل به شکست‌خورده‌ای شده که در تاریخ با بدترین روسای جمهور آمریکا مقایسه می‌شود «اما افشاگری‌های اخیر می‌رود تا تصویر ترامپ را به عنوان یک «رهبر

تناقض
قمارباز

تصویر ترامپ در حال پنهان شدن در کانتینر حمل غذای فرودگاه برای در امان ماندن از تلاش احتمالی ایران برای ترور او، در تضاد آشکار با برند «مرد سرسخت» است که او سال‌ها برای پرورش آن زمان صرف کرده بود.

یادداشت

مسئول اجرایی نباید

جای فرمانده جنگ بنشیند

امیرشهبهانی
روزنامه‌نگار

یکی از نگرانی‌های جدی ملت ایران پس از شروع جنگ مواضع نسنجیده مسئولان اجرایی بود؛ موضعی که می‌توانست پیام ضعف، اختلاف و بی‌تصمیمی به دشمن مخابره کند. سخنان مسعود پزشکیان درباره عذرخواهی از کشورهای همسایه و اظهارات اخیر محمدرضا عارف که از محدود مسئولان با کارنامه ومواضع خوب در دولت پزشکیان به شمار می‌آید، نمونه‌هایی از این رویکرد است؛ در حالی که قانون اساسی، حوزه جنگ و صلح و جهت‌گیری کلان سیاست خارجی را در صلاحیت رهبری قرار داده است. وی گفته است: «این بار هم از کشورهای عربی همانند زمان جنگ ایران و عراق خواهیم گذشت»

در روزهایی که هنوز رهبری جدید توسط مجلس خبرگان انتخاب نشده بود و کشور در شرایط جنگی قرار داشت نیز، اظهاراتی از سوی رئیس‌جمهور منتشر شد که از عذرخواهی «از طرف خود» از کشورهای همسایه‌ای سخن می‌گفت که هدف حملات موشکی و پهپادی ایران قرار گرفته بودند و با انتقاد از نیروهای مسلح دلیل حملات قهرمانانه نیروهای مسلح که ورق جنگ را برگرداند آتش به اختیار بودن آنان نامید. در ساختار جمهوری اسلامی، سیاست خارجی صرفاً یک حوزه اجرایی در اختیار دولت نیست؛ جهت‌گیری کلان آن در چارچوب ولایت امرو اختیارات رهبری تعیین می‌شود. دولت مجری است، نه صاحب اختیار مستقل در تصمیمات راهبردی جنگ و صلح. پیام رهبری پس از آغاز حملات نیز دقیقاً همین تفکیک را روشن کرد: پایگاه‌های مورد استفاده برای حمله به ایران، هدف قرار گرفته‌اند و این روند تا زمانی که آن پایگاه‌ها تعطیل نشوند ادامه خواهد یافت؛ در عین حال بر حفظ دوستی با همسایگان تأکید شد. یعنی ایران میان مردم و دولت‌های همسایه از یک سو و استفاده دشمن از خاک آنان از سوی دیگر تفکیک قائل شده است ولی حملات به پایگاه‌های میزبانی شده توسط کشورهای عربی را ادامه دار خواندند.

از همین زاویه، اظهارات اخیر محمدرضا عارف اگرچه ممکن است باهدف مدیریت روابط منطقه‌ای مطرح شده باشد، اما در سطح سیاسی می‌تواند این پیام خطرناک را منتقل کند که تجاوز و همراهی با تجاوزگر هزینه‌ای ندارد. این نخستین بار هم نیست که مواضع نسنجیده برخی مسئولان اجرایی، خوراک جنگ روانی دشمن شده است. ترامپ دقیقاً به دنبال تصویری از ایران گرفتار بحران زده و سردرگم و غیرحساس نسبت به هر حمله و تجاوزی است و برخی اظهارنظرهای داخلی به خصوص مواضع نسنجیده پزشک‌ها، ناخواسته همین تصویر را برای او تولید می‌کنند. پس از این، باید یک اصل روشن رعایت شود: هر مقام باید در حدود اختیار قانونی خود سخن بگوید. جنگ و صلح، امنیت ملی و جهت‌گیری راهبردی سیاست خارجی، عرصه اظهارنظر شخصی نیست. در شرایط جنگی، یک جمله نابجا می‌تواند بیش از یک تصمیم اشتباه هزینه داشته باشد.

نسخه ترامپ
برای امنیت
پایدار ایران

همزمانی
تمجیدهای ترامپ
از کیم جونگ اون،
کاهش رزمایش‌های
آمریکا در اطراف
کره شمالی و
عادی‌شدن ادبیات
استفاده از بمب
اتم علیه ایران، یک
واقعیت راهبردی
را آشکار می‌کند.
در محاسبات
واشنگتن، قدرت
بازدارندگی
می‌تواند لحن
تهدید را به زبان
احتیاط تبدیل کند.
ایران نمی‌تواند
برای امنیت خود
به وعده‌ها،
تضمین‌ها و تغییر
رفتار رؤسای جمهور
آمریکا تکیه کند.
در جهانی که
قدرت‌های بزرگ
همچنان از ابزار
جنگ استفاده
می‌کنند، امنیت
پایدار نیازمند آن
است که هزینه
تعرض به ایران،
برای هر مهاجمی
به‌طور جدی
افزایش یابد.

جونگ اون سخن می‌گوید و حتی دستور کاهش رزمایش‌های آمریکا و کره جنوبی را صادر می‌کند. این تفاوت رفتار، یک پیام روشن دارد: در منطق قدرت واشنگتن، بازدارندگی هزینه تهدید را بالا می‌برد.



به کره شمالی می‌تواند با پاسخ ویرانگر مواجه شود.

تهدید اتمی بر علیه ایران نباید عادی شود

همزمان با تغییر لحن ترامپ درباره کره شمالی، ادبیات مربوط به استفاده از سلاح هسته‌ای علیه ایران نیز در برخی محافل نزدیک به او در حال برجسته شدن است؛ وضعیتی که نباید عادی تلقی شود. مارک لوین، مجری شناخته شده فاکس نیوز و از چهره‌های نزدیک به جریان سیاسی ترامپ و نتانیاهو، در اظهاراتی با مقایسه ایران و ژاپن، از این استدلال استفاده کرده که اگر کشوری تسلیم نمی‌شود، ممکن است مانند ژاپن هدف بمب اتم قرار گیرد. به بیان دیگر از منظر وی ایران باید با همان منطقی تهدید شود که در پایان جنگ جهانی دوم علیه ژاپن به کار رفت. در سیاست آمریکا، رسانه‌های نزدیک به جریان قدرت صرفاً منعکس‌کننده سیاست نیستند؛ گاهی زمینه اجتماعی و سیاسی لازم برای سیاست را نیز ایجاد می‌کنند. اما چرا چنین گزینه‌ای در حال تبدیل شدن حتی به یک موضوع قابل بحث درباره ایران است؟

این نخستین بار نیست که در ادبیات سیاسی آمریکا، برخورداری ایران از سلاح هسته‌ای به عنوان نقطه‌ای مطرح می‌شود که پس از آن، امکان اقدام نظامی علیه ایران به شدت کاهش خواهد یافت. در ماه‌های گذشته نیز از ترامپ به صراحت اظهار داشت که اگر ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند، آمریکا ناچار خواهد بود با آن کشور با احتیاط و احترام بیشتری برخورد کند؛ همچنین مارکو روبیو نیز در مواضعی بر خنثی شدن گزینه‌های آمریکا پس از هسته‌ای شدن ایران تأکید کرده است. یعنی دشمن، خواسته یا ناخواسته، یک محاسبه راهبردی را جلوی چشم ایران قرار می‌دهد: هرچه هزینه حمله برای مهاجم بالاتر برود، احتمال حمله پایین‌تر می‌آید.

البته نباید این گزاره را به یک نتیجه ساده و مکانیکی تقلیل داد که تنها راه امنیت، داشتن سلاح هسته‌ای است.

محسن فرمند

روزنامه‌نگار

ترامپ طی روزهای اخیر دست‌کم در دو موضع متفاوت درباره کره شمالی، ادبیاتی به کار برده که مقایسه آن با نحوه سخن گفتن او درباره ایران، قابل تأمل است. او در یکی از پیام‌های خود تأکید کرده است: «من و کیم جونگ اون خیلی خوب با هم کنار می‌آییم!» و حتی در توضیح تصویری از خود و رهبر کره شمالی، بر وجود تصاویر متعدد از روابط دوستانه و لبخندهای دو طرف تأکید کرده است.

رئیس‌جمهور آمریکا در موضع دیگری نیز ضمن انتقاد از رزمایش‌های مشترک آمریکا و کره جنوبی، اعلام کرده که به وزیر جنگ خود دستور داده میزان برگزاری این رزمایش‌ها به شکل قابل توجهی کاهش یابد. او دلیل این تصمیم را نیز هزینه بر بودن رزمایش‌ها و ارسال «پیامی نامناسب و خصمانه» به کشوری دانسته که به گفته خودش در دوره ریاست جمهوری او رفتاری تهدیدآمیز با آمریکا نداشته است.

همین ادبیات ترامپ در کنار ادبیات او درباره ایران قابل تأمل است؛ از دو جنگ و به شهادت رساندن رهبرانقلاب، هزاران نظامی و غیرنظامی و انجام جنایت در میناب و لامرد و کشتار ناجوانمردانه پرسنل ناو تا تهدید به حمله و نابودی زیرساخت‌ها و تمدن گرفته تا توهین‌های مستقیم به ساحت رهبران انقلاب، این سؤال ساده را ایجاد می‌کند که چرا زبان واشنگتن در برابر پیونگ‌یانگ تا این اندازه متفاوت است؟ پاسخ را باید در یک کلمه جست‌وجو کرد: ازدارندگی اتمی کره شمالی به دلیل برخورداری از توان هسته‌ای، برای آمریکا و متحدانش هزینه‌ای بسیار سنگین و غیرقابل محاسبه ایجاد کرده است. برآوردهای عمومی نیز نشان می‌دهد پیونگ‌یانگ حداقل ده‌ها کلاهک هسته‌ای در اختیار دارد و مواد لازم برای ساخت تعداد بیشتری را تولید کرده است و به وسیله موشک‌های قاره‌پیما به سمت خاک اصلی آمریکا نشانه گرفته است. بنابراین آمریکا می‌داند حمله

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیر مسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ سه‌پهذ قرنی خ شاداد پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

n o b o n y a d o n l i n e . i r

فرهنگ

C U L T U R A L

چهارشنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۵ سال اول شماره ۱۱۳

یادداشت

روایت کودتای آمریکایی

محمد قربانی روزنامه‌نگار

امروز سالگرد کودتای ۲۸ مرداد است. در ادامه

چهار کتاب با این موضوع معرفی می‌شود.

۱- رازهای پشت پرده: داستان کودتای ۲۸

مرداد فرهاد حسن‌زاده انتشارات کانون

پرورش فکری کودکان و نوجوانان

این اثرروایتی داستانی، جذاب و ساده‌فهم از

ماجرای ملی شدن صنعت نفت و وقایع منتهی

به ۲۸ مرداد برای گروه سنی نوجوان است.

نویسنده با پرهیز از اصطلاحات پیچیده سیاسی

و با تمرکز برفضاسازی ملموس، شخصیت دکتر

مصدق، کشمکش‌های خیابانی و دخالت‌های

بیگانگان را به زبانی شیواو با تصویرگری مناسب

بازگویی کند تا مخاطب نوجوان درکی پایه از

این برهه تاریخی پیدا کند.

۲- مصدق و کودتا مارک گازیورسکی و

مالکوم برن (ترجمه علی مرشدی‌زاد) انتشارات

قصیده‌سرا

این کتاب گزینه‌ای عالی برای مخاطبان عمومی

و علاقه‌مندان جدی تاریخ است. اثر مجموعه‌ای

از مقالات تحلیلی پژوهشگران برجسته غربی

و ایرانی است که ابعاد گوناگون کودتا از جمله

نقش سیا، MI۶، ارتش، مطبوعات و احزاب

داخلی را بررسی می‌کند. زبان کتاب روان،

مستند و تحلیلی است و خواننده را به درکی

چندوجهی از علل سقوط دولت ملی می‌رساند.

۳- همه مردان شاه: کودتای آمریکایی و

ریشه‌های ترور در خاورمیانه استیون کینزر

(ترجمه لطف‌الله ترابی) انتشارات اطلاعات

کینزر، روزنامه‌نگار باسابقه نیویورک تایمز، با

نثری گیرا و داستانی-مستند، وقایع منتهی به

سقوط مصدق و نقش کلیدی کرمیت روزولت

را شرح می‌دهد. کتاب تکیه زیادی بر اسناد از

طبقه‌بندی خارج‌شده سازمان سیا دارد و زمینه

تاریخی، بین‌المللی و پیامدهای بلندمدت کودتا

در رابطه ایران و آمریکا را به شیوه‌ای جذاب

برای پژوهشگران جوان و دانشجویان به تصویر

می‌کشد.

۴- کودتای ۲۸ مرداد: سازمان سیا، ام‌آی ۶ و

سرتگونی مصدق یرواند آبراهامیان (ترجمه

ناصر زافشان) انتشارات نگاه (با ترجمه

محمد ابراهیم فتاحی، نشر نی)

یکی از دقیق‌ترین پژوهش‌های آکادمیک و

اسنادی در حوزه تاریخ‌نگاری معاصر است.

آبراهامیان با نقد روایت‌های تقلیل‌گرایانه،

کودتا را در بستر منازعه نفت، امپریالیسم و

جنگ سرد واکاوی می‌کند. او با استناد به اسناد

محرمانه وزارت امور خارجه بریتانیا و آمریکا،

تحلیل عمیقی از منافع طبقاتی، جایگاه شرکت

نفت انگلیس و ایران و نقشه‌های دقیق براندازی

ارائه می‌دهد؛ اثری مرجع برای محققان تاریخ و

علوم سیاسی.

ورود دادستانی تهران به پرونده یک برنامه اینترنتی بدون مجوز؛ پرسش اصلی اما چیز دیگری است.

دادستانی علیه ابتدال

یک سؤال ساده ذهن‌مان را رها نمی‌کند: اگر «آزاد» فاقد مجوز بوده، چرا این برنامه که مدت‌هاست تولید و منتشر می‌شود، تازه امروز دیده شده است؟ برنامه‌ای که در طول فعالیت خود میزبان چهره‌های بحث‌برانگیز و معاند بوده و حتی برخی مهمانان آن بعدها از کشور فرار کرده‌اند، چگونه توانسته این‌همه مدت در فضای رسانه‌ای کشور فعالیت کند و تازه پس از طرح یک ادعای خلاف واقع، مسئله مجوز آن آشکار شود؟



می‌شود؟ یک برنامه تبدیل می‌شود به چند برنامه، چند برنامه تبدیل می‌شود به یک جریان و بعد ناگهان با مجموعه‌ای از تولیدات مشاب‌ه مواجه می‌شویم که با همان فرمول، همان ادبیات و همان خط رسانه‌ای در فضای مجازی سبزی می‌شوند؛ مثل قارچ.

این همان جایی است که بی‌عملی، خودش تبدیل به سیاست می‌شود. وقتی مردم می‌بینند یک برنامه ماه‌ها و سال‌ها فعالیت می‌کند و حتی چهره‌هایی را به استودیو می‌آورد که بعدها مواضع بسیار تندتری علیه جمهوری اسلامی اتخاذ می‌کنند، اما هیچ اتفاقی نمی‌افتد، طبیعی است که به دنبال پاسخ بگردند. حتی این پرسش در افکار عمومی شکل می‌گیرد

که مگر ممکن است چنین برنامه‌ای بدون برخورد و

بدون مزاحمت، این گونه آزادانه فعالیت کند؟ همین

سکوت‌ها بود که به شایعاتی درباره ارتباط برنامه با

برخی محافل خاص دامن می‌زد؛ شایعاتی که حالا

با اعلام رسمی فقدان مجوز، دست‌کم یک سؤال

جدی درباره چرایی این تصور عمومی ایجاد می‌کند.

حالا ورود دادستانی را باید به فال نیک گرفت، اما این

پرونده نباید صرفاً با یک اعلام جرم و توقف فعالیت

یک برنامه تمام شود. مسئله اصلی، سازگار نظارت

است. اگر رسانه‌ای مجوز ندارد، چرا از ابتدا جلوی

فعالیتش گرفته نشده؟ اگر مجوز دارد، چرا امروز گفته

می‌شود ندارد؟ و اگر نهادی در تمام این مدت مسئول

نظارت بوده، چرا باید دادستانی پس از انتشار یک

محتوای مسئله‌دار تازه وارد میدان شود؟ ضمناً محتوای

آزاد پیش از جنگ چهل روزه به مراتب مسئله‌دارتر

از برنامه‌های اخیر بوده. پس چگونه می‌شود برای

عادی سازی حمله به ایران این برنامه توقیف نشود.

در نهایت، این پرونده بیش از آنکه فقط داستان آزاد

باشد، داستان یک خلأ بزرگ‌تر در حکمرانی رسانه‌ای

است. قانون اگر قرار است وجود داشته باشد،

باید پیش از آنکه تخلف به یک جریان تبدیل شود

اجرا شود، نه زمانی که کار از کار گذشته و چندین

برنامه دیگر از روی همان الگو متولد شده‌اند.

برخورد دیر هنگام بهتر از بی‌برخوردی است، اما

هنر حکمرانی این نیست که بعد از رشد قارچ‌ها

یکی یکی آنها را بچیند؛ هنر آن است که از ابتدا اجازه

ن‌دهد بستر قارچستان شود.

دادستانی تهران علیه عوامل برنامه اینترنتی آزاد به اتهام نشر اکاذیب اعلام جرم کرده و همزمان اعلام شده است که این برنامه اساساً مجوز رسمی از هیئت نظارت بر مطبوعات و معاونت رسانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نداشته است؛ به همین دلیل نیز قرار نظارت قضایی مبنی بر منع فعالیت رسانه‌ای آن تا زمان اخذ مجوز صادر شده است. اصل ورود دستگاه قضایی به چنین موضوعی را مثبت می‌دانیم اما



سعید مصباح روزنامه‌نگار

بالاخره دادستانی تهران به سراغ یکی از همان

برنامه‌هایی رفت که مدت‌ها بود در فضای مجازی

تولید می‌شد و به طرز مشکوکی در حال عادی‌سازی

برخی گزاره‌های خلاف انقلاب اسلامی بود. آزاد حالا

با اعلام جرم دادستانی تهران روبه‌رو شده است؛ آن

هم نه فقط به دلیل انتشار اظهارات خلاف واقع،

بلکه به دلیل یک مسئله ابتدایی‌تر: این برنامه

اساساً مجوز رسمی فعالیت رسانه‌ای نداشته است.

دادستانی اعلام کرده برای عوامل برنامه قرار نظارت

قضایی مبنی بر منع فعالیت رسانه‌ای تا زمان اخذ

مجوز صادر شده و تأکید کرده تعبیر توقیف درباره

این برنامه دقیق نیست، چرا که اساساً رسانه‌ای دارای

مجوز نبوده که توقیف شود.

اما اینجا همان نقطه‌ای است که باید برای لحظه‌ای

توقف کرد و پرسید: اگر این برنامه مجوز نداشته، چرا

این همه مدت کسی سراغ مجوزش را نگرفته بود؟

آزاد برنامه تازه تأسیسی نیست که یک‌شبه از زیر

زمین بیرون آمده باشد. این برنامه مدت‌هاست که

گفت‌وگوهای سیاسی و اجتماعی تولید می‌کند و

بسیار پرس‌و‌صدا هم بوده است. آزاد میزبان اشخاصی

مثل مهدی نصیری بوده است که در برنامه حاضر شد

و هر چه دلش خواست به رهبر شهید و انقلاب گفت و

سپس متواری شد. با این حساب خنده‌دار است که

فکر کنیم این برنامه تاکنون دیده نشده بود.

مسئله ما صرفاً شخص معلوم الحالی مثل مهدی

نصیری و امثال او نیست؛ مسئله این است که وقتی

یک برنامه برای مدت طولانی امکان تولید، انتشار

و جذب چهره‌های مختلف را پیدا می‌کند، دستگاه

متولی فرهنگ و رسانه دقیقاً کجاست؟ چگونه ممکن

است برنامه‌ای که برای تولید هر قسمت خود نیازمند

تیم، استودیو، تجهیزات، تبلیغات، انتشار و شبکه

توزیع است، برای مدت طولانی از چشم نهاد‌های

ناظر پنهان بماند؟

بدتر از آن، وقتی با چنین برنامه‌هایی برخورد به موقع

صورت نمی‌گیرد، طبیعی است که دیگران نیز تصور

کنند می‌توان همین مسیر را تکرار کرد. نتیجه چه

یادداشت

برند «پایتخت»

برای شما نیست آقای تنابنده!

مسعود حنیفی روزنامه‌نگار

محسن تنابنده اخیراً در اظهارنظری عجیب

مدعی شده که قصدی برای ساخت فصل

هشتم پایتخت ندارد و خبرهای صداوسیما

را عوام‌فریبی و دارای انگیزه سیاسی خوانده

است. اما این ادعاها بیش از آنکه نشان‌دهنده

واقعیت باشد، بوی فرار رو به جلو می‌دهد.

تنابنده فراموش کرده که این رسانه ملی بود

که بستر دیده شدن او و خلق این اثر ماندگار

را فراهم کرد. حالا که نوبت به پاسخگویی به

مخاطب تشنه‌ی سرگرمی رسیده، او به جای

قدرشناسی، سازمان را به سیاسی‌کاری متهم

می‌کند. برخلاف ادعای جناب تنابنده، هیچ

انگیزه سیاسی پشت خبر تولید فصل هشتم

پایتخت نهفته نیست.

صداوسیما به عنوان رسانه‌ای که باید نبض

شادی جامعه را در دست بگیرد، صرفاً به دنبال

تکرار یک تجربه موفق برای لبخند زدن روی لب

مردم است. اما جالب اینجاست که به محض

اعلام این خبر، موجی از تخریب علیه سازمان

به راه می‌افتد. آیا واقعاً می‌توان پذیرفت که

این حجم از هجمه و جوسازی رسانه‌ای علیه

تلویزیون کاملاً طبیعی و خودجوش باشد؟ قطعاً

خیر. به نظرمی‌رسد گروهی خاص نمی‌خواهند

صداوسیما در زمین سرگرمی موفق عمل کند

و برای همین با پیش‌دستی و نسبت دادن

انگیزه‌های سیاسی به تلویزیون، سعی در خراب

کردن این پروژه دارند.

واقعاً جای این سوال باقی می‌ماند که چرا

هرچه رسانه ملی دوست دارد و تمایل دارد

مردم سرگرم شوند، عده‌ای ناراحت می‌شوند

و بهانه‌تراشی می‌کنند؟ مگر پایتخت متعلق

به شخص تنابنده است که هر وقت دلش

خواست آن را تعطیل کند و هر وقت خواست

با حاشیه‌سازی، سازمان را مقصر جلوه دهد؟

پایتخت سرمایه ملی است و مردم حق دارند

آن را ببینند. تنابنده به جای فرافکنی و زیر

سوال بردن نیت‌های صداوسیما، باید بداند

که این سازمان دلسوزانه به دنبال شادی مردم

است. این جوسازی‌های مصنوعی و غیرطبیعی

علیه تلویزیون، تنها نشان‌دهنده یک جنگ

روایت‌هاست که در آن عده‌ای نمی‌خواهند

رسانه ملی حتی در زمینه طنز و سرگرمی هم

نفس بکشد.

او می‌گوید قصه‌ای نوشته نشده، اما آیا نوشتن

قصه برای پایتخت کار یک شبه است که همین

حالا آماده باشد؟ صداوسیما پیش‌قدم شده

تا چرخ تولید بچرخد، نه اینکه عوام را فریب

دهد. تنابنده باید بداند که مخاطب امروز

هوشیار است و این بازی‌های رسانه‌ای را به

خوبی تشخیص می‌دهد. کاش تنابنده به جای

این موضع‌گیری‌های تند، قدر ساختاری که

مدیون آن است را می‌دانست و به جای متهم

کردن رسانه ملی به عوام‌فریبی، به فکر پاسخ

دادن به دل خوشی‌های ساده‌ی مردم در روزهای

سخت می‌بود.

حمله وحوش

پهلوی به بازیگر

معروف

حساسیت شبکه‌های سازمان یافته مجازی و اکانت‌های

غیر واقعی وابسته به جریان‌های صهیونیستی نسبت به

کلیدواژه «فلسطین»، بار دیگر با واکنش‌ها به اقدام نوید

محمدزاده آشکار شد. محمدزاده با پوشیدن لباسی با

نمادهای پرچم فلسطین و انتشار ویدیویی علیه رژیم

صهیونیستی، با موج سنگینی از تخریب و ترور شخصیت